

در داستان خانه پنجم و گلساری به احساس شرم یک فرد شرقی از در معرض دید قرار گرفتن اشاره شده است. امری که در آن دیار هم در معماری و هم در روابط عاطفی شان رخنه کرده است.

و طبیعی به نظرشان می‌رسد. در داستان اولین زمزمه‌ها همچنین احساسی آندوه از سپری شدن گذشته شیرین و گریز از اندیشیدن به آینده نامعلوم، طوری که باعث شود فرد تنها به زمان حال فکر کند و دم را غنیمت شمرد، آشکار شده است.

در داستان آقای احمدی باز از خودبیگانگی انسان‌ها از طریق تکرار بی‌وقفه اعمالی بی‌معنا وصف شده است. در این داستان شخصیت اصلی صریحاً نتیجه گرفته است: «زندگی‌ها در چند قالب، آن هم کاملاً استاندارد دسته‌بندی شده‌اند» و هر کس که در هیچ قالبی ننگند: «اصلاً زندگی نکرده است.» (ص ۳۶)

و این امر بی‌معنایی زندگی در نظر شخصیت اصلی را نشان می‌دهد. در داستان رنگ نارنجی دلتنگی راوی از در معرض کنجکاوای دیگران قرار گرفتن است، کاری که انسان را وادار به دروغ‌گویی می‌کند زیرا: «به آن‌ها که راستش را گفت، همه مشکوک نگاهش کردند، به بقیه دروغ گفت و خودش را راحت کرد.» (ص ۳۳)

در داستان نه آبی، نه زرد نویسنده سعی دارد در قالب حکایتی تمثیلی از فاصله میان انسان‌ها سخن بگوید و به تصور خود سعی کند دو فرد هم‌درد را به رغم اختلاف رنگ و نژاد به هم برساند.

داستان فرضیه به وضوح نشان می‌دهد که نویسنده پندارها و مفاهیم ذهنی خود را اصل قرار داده و سعی در توجیه آن داشته است. در این داستان، حذف کنش و عمل داستانی و صرف تعریف و توضیح کاملاً نمایان است.

در داستان اهل هر کجا می‌خواهی باش اما... باز نویسنده سعی دارد حالات متضاد را آشتی دهد و تفاوت‌ها و تباين‌ها را انکار کند (کاری که خصیصه یک اثر تک‌آوایی است) اما آشکار است که نفی تکثر بینش‌ها به وحدتی تصنعی می‌رسد.

در داستان باران راوی با خود یا با فرد دیگری چون خود واگویی دارد و به ما نشان می‌دهد که مفاهیم بد و خوب، از منظرهای گوناگون یکسان به نظر نمی‌رسد و هر کس حقیقت را به زعم خود معنی می‌کند. نتیجه‌ای که مخاطب می‌گیرد این است که: پس نباید کسی عقیده خود را بر دیگری تحمیل کند و تنها خود را حامل حقیقت ببندد. در این داستان تقابل دو بینش متفاوت نشان داده شده است. ابتدا بینشی که مایل است تفاوت‌ها را انکار کند و سپس بینشی که معتقد است هر کس هویت جداگانه‌ای دارد و نمی‌توان تنوع آرا را نفی کرد، و این بینش نافی روابط دوستانه میان انسان‌ها نیست.

در داستان جابه‌جایی نویسنده نشان می‌دهد که انسان همواره به فکر چیزی است که ندارد، یعنی غبطه به فرصت‌های از دست رفته می‌خورد. اما راوی توجه ندارد که انسان هر گاه به فرد دیگری بسیار نزدیک شد، همان مقدار هم اشکالات او را برجسته‌تر می‌بیند.

در داستان چشم نویسنده تفاوت میان جهان ذهنی

کودکان و بزرگسالان را نشان داده است و نتیجه گرفته که نمی‌توان با منطق بزرگسالانه مشکلات جهان کودکان را درک کرد. برای درک جهان کودکان می‌بایست همچون آنها کودکانه زیست و کودکانه اندیشید و خیالی‌یافی کرد.

در داستان پنجره باز ما با یک تقابل دوتایی روبه‌رویم. پنجره به عنوان دریچه‌ای برای رهایی و ورود نور و پنجره به عنوان دریچه‌ای برای دیدن زشتی‌های جهان و رؤیت خودکشی و مرگ. در این داستان گرچه نویسنده به برخی ناسامانی‌های اجتماعی مستقیماً اشاره کرده است، اما باز در انتها با تعبیری شاعرانه آن را به پایان برده است. این امر باعث شده سخنان دو شخصیت داستان غیرواقعی به نظر برسند و تنها دلالت بر خواست نویسنده برای ابراز آنها به وسیله شخصیت‌ها دارند.

در داستان عبود کبوتر را پر بده به جای آن که جنگ را از دیدگاه عده‌ای کودک که شخصیت‌های این داستانند ببینیم، آن را از دیدگاه بزرگسالی که خود را کودک فرض کرده است (یعنی نویسنده) می‌بینیم. این داستان روایتی کلی و مبهم درباره جنگ است که در انتها با تصویری احساساتی به پایان می‌رسد. نویسنده حتی به این نکته کوچک توجه نکرده که هفت تیر پلاستیکی با مازیک رنگ به خود نمی‌گیرد. سعی نویسنده برای ترسیم فضای جنگ از خلال بازی گروهی کودک ناموفق است. این امر نشان می‌دهد که یک نویسنده هر قدر قضا و موضوع داستانش تجربی‌تر بوده باشد در ترسیم آن موفق‌تر است و توصیف صرف و اشارات کلی، فضا و مکان زنده و ملموس را ترسیم نمی‌کند.

در داستان پرواز که طولانی‌ترین داستان این مجموعه است نویسنده باز در جهت نفی تنهایی شخصیت اصلی داستان همدمی را برای او دست و پا می‌کند. رمز و راز این داستان و کاوش‌های روانشناختی ذهن دو شخصیت آن دل‌نشین است و یک بار دیگر نویسنده مضمون وحدت آبی و زرد و حاصل آمدن ملایمت و لطافت (یعنی سبز را) در آن به کار گرفته است. شخصیت اصلی این داستان (علی) با دو مشکل روبه‌روست، ابتدا تصویری در دیار که از گذشته در ذهن دارد (مرک خروش بر اثر اصابت بمب) و سپس برخورد خشونت‌بار و تحقیرآمیز هم‌شاگردی‌های هلندی‌اش. او برای غلبه به این مشکل چاره را در پریدن و پرواز می‌بیند. در این داستان یک بار دیگر می‌بینیم که ذهن منطقی و خشک و انعطاف‌ناپذیر انسان‌های آن دیار، قادر نیست جهان خیالی و شگفت و پر رمز و راز یک کودک شرقی را درک کند. بیرزنی که در انتهای داستان پرش آن دورا می‌بیند و ناباورانه به پرسفید روی زمین خیره می‌شود، نمونه‌ای از افراد آن جامعه است.

در انتها باید بگوییم که خواندن این مجموعه لذت‌بخش است و گاه تصاویری که در آن رسم شده است مخاطب را به اندیشیدن وامی‌دارد و آن آوای یگانه‌ای که بر سرتاسر مجموعه حاکم است، شرح سرگشتگی مهاجران این عصر، و جستجوی آنها برای تعیین جایگاه و کسب هویت‌شان است. □

ایرانشناسی در بلغارستان

دانشکده شرق‌شناسی بلغارستان (مرکز آموزش

زبان و فرهنگ‌های ملل شرق، زبانها و ادبیات کهن و معاصر) وابسته به دانشگاه دولتی صوفیا در سال ۱۹۵۱ (۱۳۳۰) با تصویب وزارت علوم و آموزش عالی گشایش یافت این دانشکده در سالهای اول فعالیت خود تنها به آموزش زبان و ادبیات ترکی و عثمانی اشتغال داشت، ولی بعداً بتدریج میدان فعالیت خود را گسترش داد در دانشکده زبان و فرهنگ‌های ملل شرق هم‌اکنون زبان و فرهنگ‌های ترکی، عربی، هندی، فارسی، ژاپنی، کره‌ای، چینی و ارمنی تدریس می‌شود. آموزش زبانهای پشتو، کردی، تبتی و مغولی نیز به عنوان زبانهای دوم (چینی) رواج کامل دارد.

آموزش زبان و فرهنگ کهن و معاصر ایران از سال ۱۹۵۵ (۱۳۳۴) شروع شد و در آغاز زبان دوم تمام دانشجویانی بود که در یکی از رشته‌های زبان و ادبیات (فیلولوژی) تحصیل می‌کردند ولی بعد از سال تحصیلی ۱۹۹۲-۱۹۹۳ بگرسی مستقل (ایرانشناسی) تبدیل گردید.

کرسی ایرانشناسی هر سال بطور متوسط بین ۱۵-۱۰ دانشجو می‌پذیرد. داوطلبان آموزش در رشته ایرانشناسی نخست در کنکور عمومی دانشگاه دولتی صوفیه شرکت می‌کنند بعد از شرکت در کنکور نصف آنها (با معدل بهتر) بدون پرداخت شهریه و بقیه با پرداخت شهریه وارد دانشکده شرق‌شناسی و کرسی ویژه ایران‌شناسی می‌شوند.

دوره کامل ایرانشناسی پنج سال است و در این مدت دانشجویان با فرهنگ‌های کهن و معاصر ایران آشنا می‌شوند مهمترین دروس دانشجویان در دوران تحصیل بترتیب عبارتست از:

سال اول: تدریس زبان و گرامر فارسی، حروف و اصوات، زبان‌شناسی، ادبیات‌شناسی، ایران‌شناسی تاریخ ایران قبل و بعد از اسلام.

سال دوم: زبان فارسی، دستور زبان فارسی، دستور تطبیقی زبان فارسی، صرف و نحو فارسی ادبیات کهن و معاصر ایران، تاریخ ایران، فلسفه شرق و تکامل آن، تاریخ اسلام.

سال سوم: زبان فارسی، فارسی کهن و معاصر، ادبیات کلاسیک ایران، ادبیات معاصر ایران، صرف و نحو ایران، گویشهای ایرانی، تمدن اسلامی، زبان دوم (کردی، ترکی، عربی، پشتو).

سال چهارم: زبان فارسی، ادبیات فارسی، ترجمه از بلغاری به فارسی، ترجمه از فارسی به بلغاری، گفتگوی فارسی، فلکلور ایرانی، تاریخ سیاسی ایران، تاریخ دستور زبان فارسی زبان دوم (تفحص مستقل در زمینه‌های ادبی، فلسفی، تاریخی در پهنای زبان و فرهنگ ایران).

سال پنجم: زبان فارسی، ترجمه از فارسی به بلغاری و برعکس، گفتگوی فارسی، تفحص مستقل در پهنای زبان و فرهنگ ایران.